

## تجلی قرآنی بایسته‌های اخلاق اجتماعی در صحیفه سجّادیه

الهه هادیان رسانی (استادیار دانشگاه قرآن و حدیث)

hadian.e@qhu.ac.ir

کوثر بصام (کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث، پردیس تهران)

k.bassam27@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۱۹؛ ۱۳۹۵/۸/۱۶)

### چکیده

اندیشه و نگرش‌های قرآنی امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجّادیه در تمام زمینه‌های معرفتی از جمله در حوزه اخلاق اجتماعی تحت سلطه قرآن بوده و از آن تأثیر پذیرفته و در این مجموعه به شکل دعا تجلی یافته است. در این آموزه معرفتی، حضرت با بهره‌گیری از معارف قرآنی و تأثیر پذیرفتن از کلام وحیانی با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زمانه خود به صورت مستقیم و غیر مستقیم به بیان این آیات قرآنی اهتمام ورزیده‌اند. از این رو، محور اصلی این پژوهش ذکر انواع اثرپذیری کلام امام از قرآن در بیان بایسته‌های اخلاق اجتماعی و استخراج آیات قرآنی است که امام برای بیان این آموزه‌های اخلاقی در کلام خود از آن‌ها بهره گرفته و اندیشه حضرت در القای این معارف از آن‌ها تأثیر پذیرفته است. برای نیل به این مهم با استفاده از روش کتابخانه‌ای از تفاسیر قرآن و شروح صحیفه و دیگر منابع تاریخی و اخلاقی مربوط استفاده شده است.

**کلیدواژه‌ها:** صحیفه سجّادیه، اخلاق اجتماعی، تجلی قرآنی، دعا‌های اخلاقی.

## ۱. مقدمه

راز و نیاز با خداوند و عبادت وی از ضروریات زندگی و نشأت گرفته از فطرت بشر<sup>۱</sup> است. معصومان علیهم السلام - که زندگی و سیره آنان با این مهم عجین شده، ضمن ذکر آثار فراوان برای آن، به انجام این عمل مهم توصیه کرده‌اند. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْأَرْضِ الدُّعَاءُ وَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعَفَافُ؛

محبوب‌ترین کارها در زمین نزد خداوند عز و جل، دعا است (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۶۹).

در میان ادعیه موجود، نیایش‌های ماثور معصومان علیهم السلام منحصر به راز و نیاز با خالق بی‌همتا و دعا و گفت و گو با یگانه هستی نیست، بلکه در ورای این نگاه، حقیقتی بزرگ نهفته است. این نیایش‌ها در کنار دیگر متون دینی اسلام منبعی غنی و مطمئن برای دستیابی و شناخت عرفانی و توحیدی اسلام است که مشتمل بر آموزه‌های گران‌سنگ اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، فردی، اقتصادی، فرهنگی، تربیتی، نظامی، حقوقی و دیگر آموزه‌های معرفتی است (حکیمی، ۱۳۶۶: ۲۹۸ - ۲۹۹). در بین ادعیه ماثور، صحیفه سجّادیه منسوب به امام سجّاد علیه السلام، به عنوان یکی از بهترین و معتبرترین منبع دینی رسیده به دست ما، همچون دیگر ادعیه معصومان علیهم السلام، در بردارنده معارف قرآنی فراوانی از جمله آموزه‌های اخلاقی است (حسینی جلالی، ۱۴۱۸ق: ۱۸۷ - ۱۹۰؛ پیشوایی، ۱۳۷۲: ۱۲۳ - ۱۲۵)؛ به گونه‌ای که می‌توان این صفات خوب و بد را با توجه به متعلقشان در سه دسته اخلاق الهی،<sup>۲</sup> اخلاق فردی<sup>۳</sup> و اخلاق اجتماعی جای داد (حق شناس، ۱۳۸۸: ۱۵ - ۱۶؛ جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۶۵؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۸/ ۲۴۳). یکی از این اخلاقیات - که مقصود این نوشتار است و محور آن‌ها روابط اجتماعی انسان‌ها با یکدیگر بوده و معمولاً اخلاق در بیش‌تر موارد به این دسته از اخلاقیات اطلاق می‌شود - مطرح‌شدن آموزه‌هایی در باره چگونگی ارتباط انسان با جامعه و هم‌نوعان خود و به تعبیر دیگر، اخلاق اجتماعی است (مصباح یزدی، همان: ۲۳) که می‌توان آن را چنین تعریف نمود:

به آن دسته از بایدها و نبایدهای غیر الزامی (غیرحقوقی) مربوط به روابط گروهی جمعی، اخلاق اجتماعی گفته می‌شود؛ به عنوان مثال، بایدها و نبایدهای مربوط به همسرگزینی، روابط متقابل زوجین و روابط متقابل والدین و فرزندان و یا بایدها و نبایدهای مربوط به روابط متقابل حاکمان و مردم چنین‌اند. به عبارت دیگر، به مجموع ارزش‌ها و هنجارهای غیر الزامی حاکم و رایج بر نظام‌های رفتاری جمع و جماعت و

جامعه نیز اخلاق اجتماعی گفته می‌شود. اخلاق خانواده، اخلاق آموزش و تعلیم و تربیت، اخلاق سیاست و قدرت، اخلاق کار و معیشت، اخلاق مرافعه و جنگ و صلح در زمره شاخه‌های مهم اخلاق اجتماعی قرار می‌گیرند (حق شناس، ۱۳۸۸: ۱۹).

اخلاق اجتماعی یکی از شاخصه‌های اصلی در علم اخلاق (مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ۱۱؛ جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۱۵/۱۰) و در زمره مهم‌ترین مباحث قرآنی و یکی از عالی‌ترین هدف رسالت انبیا (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۳۱/۱) به حساب می‌آید. اسلام علاوه بر اهتمام به زندگی فردی و بیان آموزه‌هایی در این زمینه، به جنبه اجتماعی وی توجه کرده و در قرآن و سایر متون دینی با تأکید فراوان بر این مسئله، آموزه‌های بسیاری را در زمینه اجتماع و روابط اجتماعی در اختیار انسان قرار داده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۷/۲۶).

یکی از نشانه‌های اهمیت قرآن به اجتماع و روابط اجتماعی، مطرح شدن اکثر آموزه‌ها و دستورات الهی در قالب اجتماع است؛ مواردی مانند فریضه واجب حج،<sup>۴</sup> اقامه نماز جمعه به عنوان یک عمل عبادی مهم به صورت جمعی<sup>۵</sup> و ... به نحوی که می‌توان دین اسلام را دین اجتماعی دانست (همان: ۲۵۵ - ۲۶۰؛ مسعودی، ۱۳۹۳: ۲۱). از دیگر دلایل اهمیت اسلام به روابط اجتماعی، آثار و تبعاتی است که این روابط بر زندگی اجتماعی و جمعی انسان و بر جامعه انسانی می‌گذارد؛ از جمله نعمت برادری،<sup>۶</sup> عزت و اقتدار و تشویق به وحدت<sup>۷</sup> و ... (مسعودی، همان: ۲۳).<sup>۸</sup> لذا بهترین راه دستیابی به این اخلاقیات، مراجعه به منابع اصیل اسلامی، یعنی قرآن و کلام معصومان علیهم‌السلام همچون کلام امام سجّاد علیه‌السلام در صحیفه سجّادیه است؛ کلام انسان‌هایی که خود متخلّق به اخلاق الهی هستند.

این نیایش‌ها - که نوعی از روایات رسیده از معصومان علیهم‌السلام هستند و در کلام پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم،<sup>۹</sup> «ثقل اصغر» خوانده شده‌اند - همتا و قرین همیشگی قرآن، یعنی «ثقل اکبر» هستند که نه تنها از هم جدا نمی‌شوند و تناقضی میان مضامین آن‌ها نیست، بلکه مکمل یکدیگرند؛ و تنها تفاوت این دو ثقل در این است که ثقل اکبر، کلام الهی و وحیانی و به تعبیری قرآن نازل و ادعیه - که جزئی از ثقل اصغر هستند - کلام صاعد بندگان صالح خداوند و به تعبیری قرآن صاعدند (خمینی، ۱۳۶۸: ۳)؛ همان که در حدیث ثقلین پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۰۰/۲، ح ۵۹)؛

حال، این پرسش مطرح می‌شود که معارف اخلاقی موجود در صحیفه سجّادیه چه ارتباطی با قرآن دارند؟ و اگر از کلام وحی اثر پذیرفته، پیوستگی و تأثیرپذیری آن در مورد آموزه اخلاق اجتماعی به چه شکل و چگونه بوده است؟ با توجه به احادیث موجود، مانند حدیث ثقلین و بررسی‌های صورت گرفته در این باره، این پاسخ به دست می‌آید که معارف موجود در صحیفه سجّادیه، همچون دیگر سخنان معصومان علیهم‌السلام با معارف موجود در قرآن قطعاً پیوندی ناگسستنی دارند و اندیشه و باورهای امام سجّاد علیه‌السلام متأثر از کلام الهی و تحت سلطه آن بوده و این نگرش‌های قرآنی حضرت در صحیفه سجّادیه به شیوه نیایش با خداوند و با استفاده از الفاظ و شکل‌های مختلف و با تأثیرپذیری‌های گوناگون در این مجموعه تجلی و نمود یافته است.

با وجود اهمیت این مسئله، پژوهش‌های تطبیقی در ادعیه معصومان علیهم‌السلام از جمله در صحیفه سجّادیه و بررسی مفهومی آن‌ها بر پایه آیات قرآن به صورت متمرکز بر دعاها و موضوعات خاص، آن چنان که باید، صورت نگرفته است و پژوهش‌های اندک و پراکنده‌ای در این زمینه وجود دارد. کتاب تجلی قرآن در نیایش معصومان علیهم‌السلام نگارش دکتر علی خیاط یکی از این پژوهش‌ها است. مؤلف همچنین مقاله‌ای با عنوان «اقتباس؛ گونه‌ای از تجلی قرآن در نیایش معصومان» به نگارش درآورده است و در هر یک از دو نوشته، به صورت عام، به تمام ادعیه معصومان علیهم‌السلام توجه کرده و به صورت خاص به صحیفه سجّادیه در یک موضوع نپرداخته است. تجلی قرآن در دعاهایی از جمله دعای ابوحمزه ثمالی و یا پژوهش‌هایی که به اصول اخلاق اجتماعی در صحیفه سجّادیه، بدون ذکر آیات قرآنی مربوط پرداخته‌اند، از دیگر نوشته‌های مرتبط با این نوشتار است.

این پژوهش با تمرکز بر موضوع بایسته‌های اخلاقی مربوط به اجتماع و جامعه در صحیفه سجّادیه کامله یا مشهوره (مشمول بر ۵۴ دعا)، ضمن توجه به اصول اخلاق اجتماعی موجود در آن و آیات قرآنی مربوط به هر فضیلت اخلاقی، به بررسی تطبیقی و نحوه اثرپذیری کلام حضرت از مفاهیم و الفاظ قرآنی پرداخته و به انواع تجلی قرآنی در بایسته‌های اخلاقی و اجتماعی در صحیفه سجّادیه اشاره نموده است. برای نیل به این مقصود ابتدا به خاستگاه ادعیه مأثور و پیوند آن‌ها با قرآن اشاره نموده و به دنبال آن، انواع تأثیرپذیری کلام امام سجّاد علیه‌السلام از آیات قرآنی و چگونگی بهره گرفتن از کلام وحی در مناجات خویش با خالق یکتا در حوزه اخلاق اجتماعی، ذکر می‌گردد.<sup>۱۰</sup> از این رو، این پژوهش جهت بررسی تجلی قرآنی بایسته‌های اخلاق اجتماعی

موجود در صحیفه، آن‌ها را در دودسته کلی اخلاق اجتماعی در رابطه با عموم انسان‌ها در جامعه - که عبارت‌اند از: عدل و انصاف، احسان و بخشش، انفاق، زکات، حفظ آبرو و صیانت از شخصیت، حسن ظن، اصلاح ذات‌بین، تواضع و فروتنی، حلم و کظم غیظ، حسن خلق و نرم‌خویی، عفو و صفح، نصح و خیرخواهی و امر به معروف و نهی از منکر - و اخلاق اجتماعی در رابطه با گروه‌های خاص در جامعه - که عبارت‌اند از: اخلاق با ارحام (صله رحم)، بایسته‌های اخلاقی فرزندان با والدین (نیکی به پدر و مادر و اطاعت از آنان، نرم‌خویی با پدر و مادر و نیکو سخن گفتن با ایشان و ...)، بایسته‌های اخلاقی والدین با فرزندان و بایسته‌های اخلاقی در قبال همسایگان - سامان داده است که به دلیل نبود مجال بیشتر، در جدولی هر یک از این اصول همراه با نمونه‌ای از تجلی قرآنی آن‌ها ذکر خواهد شد.

## ۲. خاستگاه قرآنی ادعیه ماثور و پیوند آن‌ها با کلام قرآن

روایات رسیده از معصومان علیهم‌السلام در آموزش مسائل روزمره زندگی پیامی متناسب با مخاطب و موضوع بوده، اما عبارات ایشان در ادعیه - که مخاطب آنان خداوند بی‌همتا است - آن‌چنان بی‌بدیل و بلیغ است که حقیقت معصوم به عنوان بنده خالص خدا در این گفتارها تجلی یافته است (ممدوحی کرمانشاهی، ۱۳۸۱: ۹۸). به سخن دیگر، در باره وجود معارف عالی الهی در میراث معنوی اهل بیت علیهم‌السلام، یعنی ادعیه ماثور، این نکته حایز اهمیت است که خاستگاه این ادعیه و سرچشمه‌های فکری آن‌ها در میان منابع متعدد، مانند مشاهده و تجربه مستقیم واقعیت‌های پیرامون، تأمل و تفکر عقلانی بر پایه نوعی استدلال عقلی و ... (صدر، ۱۳۷۹: ۱۷ - ۱۸) بیش از همه، دو منبع بوده است: اول، قرآن کریم و دوم، آموزه‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (خیاط، ۱۳۹۲: ۴۷). منظور از خاستگاه دوم (آموزه‌های پیامبر) همان آموزه‌هایی است که از حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به این بزرگواران رسیده است و ایشان سخنان و تعالیم پیامبر را نقل و بر اساس آن مطالبی را بیان می‌نمایند (همان)؛ برای نمونه امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

وَمَا سَوَىٰ ذَٰلِكَ فَعِلْمٌ عَلَّمَهُ اللَّهُ نَبِيَّهُ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فَعَلَّمَنِيهِ وَ دَعَا لِي بِأَنْ يَّعِيَهُ صَدْرِي وَ تَضَطَّمَ عَلَيَّ جَوَانِحِي (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: ۱۸۶، خطبه ۱۲۸)؛

و جز این، علمی است که خدا آن را به پیامبرش آموخت، و او مرا یاد داد، و دعا کرد که سینه من آن را فرا گیرد، و دلم آن علم را در خود پذیرد (شهیدی، ۱۳۷۸: ۱۲۷).

اما خاستگاه اصلی اندیشه و نگرش‌های معصومان علیهم‌السلام - که بیشترین تأثیر را بر فکر و روح آنان گذاشته و بیش از هر چیز از آن بهره برده‌اند - کلام وحیانی قرآن است (صدر، ۱۳۷۹: ۱۸). به عبارت دیگر، پیوند قرآن و پیشوایان الهی، پیوندی همیشگی بوده و این مطلب در حدیث ثقلین<sup>۱۱</sup> - که نزد شیعه و اهل سنت مقبول است - و با در حدیث معیت<sup>۱۲</sup> به صراحت بیان شده است. پیامبر در مورد این دو ثقل متحد می‌فرماید:

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ عَلِيًّا وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ وَ الْقُرْآنُ هُوَ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، وَ كُلُّ وَاحِدٍ مُبَيَّنٌ عَنِ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۷/۲۰۹، ح ۸۶).

در واقع معارف موجود در نیایش‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و عترت پاک ایشان (ثقل اصغر) برگرفته از معارف کلام وحیانی (ثقل اکبر) است که هیچ‌گونه تناقض با یکدیگر نداشته، بلکه مبین و مفسر هم هستند (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۵). حقیقت پیوند قرآن و معصومان علیهم‌السلام در کلام این بزرگواران نیز بیان شده است؛ برای نمونه امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

إِنَّ الْكِتَابَ لَمَعِي مَا فَارَقْتُهُ مُذْ صَحَبْتُهُ<sup>۱۳</sup> (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: ۱۷۹، خطبه ۱۲۲).

امام سجاد علیه‌السلام در مورد پیوند قرآن و ائمه می‌فرماید:

الْإِمَامُ مِنَّا لَا يَكُونُ إِلَّا مَعْصُومًا ... فَقِيلَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! فَمَا مَعْنَى الْمَعْصُومِ: فَقَالَ: هُوَ الْمُعْتَصِمُ بِحَبْلِ اللَّهِ، وَ حَبْلُ اللَّهِ هُوَ الْقُرْآنُ لَا يَفْتَرِقَانِ إِلَّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ الْإِمَامُ يَهْدِي إِلَى الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ يَهْدِي إِلَى الْإِمَامِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هِيَ أَقْوَمُ﴾<sup>۱۴</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۵/۱۹۴، ح ۵).

علاوه بر این که میان قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام پیوند ناگسستنی وجود دارد، تأمل در زندگانی آن بزرگواران توجه ایشان به قرآن و انس گرفتن با آن را نیز نشان می‌دهد؛ برای نمونه حضرت زین العابدین علیه‌السلام در باره انس گرفتن با قرآن می‌فرماید:

لَوْ مَاتَ مَنْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ، لَمَا اسْتَوْحَشْتُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِي<sup>۱۵</sup> (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۴/۶۰۳، ح ۳۴۸۵).

لذا با توجه به پیوند وثیق میان قرآن و معصومان علیهم‌السلام، می‌توان گفت که جایگاه و منزلت عبارات نیایشی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خاندان مطهرشان همتای قرآن بوده، ولی با این تفاوت که قرآن

کلام خداوند و این نیایش‌ها کلام بندگان مقرب خداوند است (خیاط، ۱۳۹۲: ۳۴). از این رو، می‌توان قرآن را از اصلی‌ترین خاستگاه ادعیه ماثور دانست که این بزرگواران به عنوان معلم و مفسر قرآن، در تمام سخنان خود، از جمله در نیایش با خداوند، جهت بیان آموزه‌های قرآنی به الفاظ و مفاهیم آن استشهاد می‌نمودند؛ به طوری که می‌توان ادعیه را لسان قرآن و شارح آن دانست که از هم جدا نیستند (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۶؛ حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۱: ۳۶؛ خمینی، ۱۳۷۶: ۱۸۹). صحیفه سجّادیه نیز به عنوان ارزشمندترین یادگار عاشورا - که «زبور آل محمد» و «انجیل اهل بیت» خوانده شده است<sup>۱۶</sup> (مدنی شیرازی، ۱۴۱۵ق: ۱/۳ و ۵؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹ق: ۷۶) - از این قاعده مستثنا نبوده که در آن، ضمن نیایش حضرت با خداوند با کلامی بلیغ، مشتمل بر والاترین معارف و آموزه‌های توحیدی از جمله آموزه‌های اعتقادی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی و... است<sup>۱۷</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۰۴/۲۱۰) که می‌توان تجلی معارف قرآنی و تأثیر پذیرفتن کلام حضرت از قرآن را در بیان این آموزه‌های معرفتی مشاهده کرد. در ذیل به انواع این اثرپذیری و بهره‌گیری امام سجّاد علیه السلام از قرآن در ذکر بایسته‌های اخلاق اجتماعی اشاره خواهد شد.

### ۳. انواع اثرپذیری کلام امام سجّاد علیه السلام از قرآن در بیان بایسته‌های اخلاق اجتماعی

با توجه به پیوند دو ثقل اکبر و ثقل اصغر و توجه پیشوایان الهی به قرآن در تمام امور مربوط به تربیت و تعلیم انسان‌ها، ذکر گردید که کلمات امام در صحیفه سجّادیه می‌تواند در حوزه‌های معرفتی بسیاری از جمله در حوزه بایسته‌های اخلاق اجتماعی از مفاهیم و الفاظ قرآنی نشأت گرفته و از آن تأثیر پذیرفته باشد. به طور کلی می‌توان در این حوزه اخلاقی دو نوع تأثیرپذیری از قرآن در کلمات امام ذکر نمود: تأثیرپذیری آشکار (مستقیم) و تأثیرپذیری پنهان (غیرمستقیم)<sup>۱۸</sup> (صدر، ۱۳۷۹: ۱۸؛ خیاط، ۱۳۹۲: ۵۳).

#### ۱- ۳. تأثیرپذیری آشکار (مستقیم)

مقصود از تأثیرپذیری مستقیم یا آشکار - که به آن «اثرپذیری گزاره‌ای»<sup>۱۹</sup> نیز گفته می‌شود - این است که یک سری الفاظ و عبارات قرآنی با توجه به مقتضای مخاطب و جامعه بر ذهن و اندیشه امام حضور و چیرگی داشته و حضرت همان الفاظ و ساختار قرآنی را (خواه آیه کامل، عبارتی از یک آیه و یا چند لفظ از آیه) بدون هیچ‌گونه تحلیل و تصرفی و یا با اندک تغییری در کلام خود

می‌آورد و بدین شکل در اثنای کلام خود به بیان آموزه‌ها و معارف قرآنی می‌پردازد. این نوع از اثرپذیری کلام از قرآن را می‌توان بر سه گونه تقسیم نمود: ۱. تصریح، ۲. اقتباس (تضمین)، ۳. تلمیح (اشاره) (صدر، ۱۳۷۹: ۱۹؛ خیاط، ۱۳۹۲: ۸۷؛ راست‌گو، ۱۳۷۶: ۳۰).

### ۱-۱-۳. تصریح

واژه تصریح در لغت به معنای خالص از هر چیز، آشکار و روشن ساختن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۲/ صرح). در این گونه از کاربرد آیات قرآنی در ادعیه، آیه‌ای از قرآن آشکارا و صریح در قالبی جدا از دعای معصوم ذکر می‌گردد (خیاط، ۱۳۹۲: ۸۷ و ۱۰۵؛ غلامعلی، ۱۳۸۹: ۱۲۰). در این نوع اثرپذیری دعا از قرآن، امام با استفاده از الفاظی مانند «قلت»،<sup>۲۰</sup> «حتی قلت له»،<sup>۲۱</sup> «إذ تقول»<sup>۲۲</sup> و ... آیات قرآنی را از کلام خود جدا می‌نمایند. در این نوع از کاربرد صریح آیات در اثنای کلام، با توجه به موضوعات مطرح در دعا و انگیزه امام علیه السلام در استفاده از این شیوه بیان معارف قرآنی، این تصریح به آیه در اثنای کلام معصوم علیه السلام می‌تواند مصادیق مختلفی داشته باشد؛ مانند استناد، تعلیل، تأویل (استخراج بطن و انتزاع مفهوم عام)، جری و تطبیق و...<sup>۲۳</sup> برای نمونه در نوع استناد، گاهی امام آیه‌ای را ذکر و مطلبی را با استناد به آن آیه بیان می‌نماید، یعنی در این نوع ابتدا آیه و سپس سخن معصوم می‌آید (خیاط، ۱۳۹۲: ۹۴)؛ مانند بندهای ۱۱ و ۱۲ از دعای ۳۱ صحیفه سجّادیه که حضرت با استناد به آیه ۶۰ سوره غافر (مدنی شیرازی، ۱۴۱۵ق: ۴/ ۴۰۹؛ ابطحی، ۱۴۲۳ق: ۱۵۳، دعای ۸۰) از خداوند می‌خواهد دعایش مستجاب شود:

(۱۱) اللَّهُمَّ فَهَذَا أَنَا قَدْ جِئْتُكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ فِيمَا أَمَرْتَ بِهِ مِنَ الدُّعَاءِ، مُتَّجِرًا  
وَعَدَكَ فِيمَا وَعَدْتَ بِهِ مِنَ الْإِجَابَةِ، إِذْ تَقُولُ: ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾<sup>۲۴</sup> (۱۲)  
اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَالْقِنِي بِمَغْفِرَتِكَ كَمَا لَقَيْتُكَ بِإِقْرَارِي؛

خداوندا، اکنون این من هستم که به نزد تو آمده‌ام در حالی که فرمان تو را که به دعا کردن امر نموده‌ای، اطاعت کرده‌ام و وفا به وعده‌ای را که در باره اجابت داده‌ای، خواستارم؛ زیرا که می‌فرمایی: «مرا بخوانید و بدانید که خواندن من عبادت است و اگر بخوانیدم، دعایتان را اجابت می‌کنم».<sup>۲۵</sup> (۱۲) خداوندا، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و با آمرزش خود به من روی آور. همچنان که من با اقرارم به تو رو آوردم.<sup>۲۶</sup>



امام در این بند، از یک قسمت از آیه در کلام خود بهره برده و با عبارت «إِذْ تَقُولُ» اشاره‌ای صریح به کلام الهی داشته است؛ لذا این تأثیرپذیری نوعی تصریح به حساب می‌آید که برای اثبات یک مطلب بر اساس آیه است. یا در نمونه‌ای دیگر از تصریح، حضرت در مورد اصل اخلاقی انفاق به دیگران در بند ۱۲ از دعای ۴۵ می‌فرماید:

... فَقُلْتَ تَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَيْتَ ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ امْتَالِهَا، وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يَجْزِي إِلَّا مِثْلَهَا﴾.

این نوع از بیان امام، یعنی به صراحت اشاره کردن به آیه (تصریح) یک نوع از اثرپذیری آشکار و مستقیم دعا از کلام الهی است که با لفظ «قُلْتَ» دو کلام نازل و صاعد از هم جدا شده‌اند و حضرت جهت بیان فضیلت اخلاقی انفاق به‌طور صریح از آیه ۱۶۰ سوره انعام<sup>۳۷</sup> بهره برده است (ابطحی، ۱۴۲۳ق: ۲۹۳، دعای ۱۴۲).

#### ۲- ۱- ۳. اقتباس یا تضمین

نوع دیگر اثرپذیری مستقیم ادعیه از قرآن، اقتباس یا تضمین است. تضمین در لغت به معنای قرار دادن چیزی در چیز دیگر است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۳ / ضمن). اقتباس (تضمین) یا همان قسمتی از یک سخن را در ضمن کلام خود آوردن، در علم بدیع به این معنا است که شخص عبارتی از آیه قرآنی یا عبارتی از یک حدیث را بدون ذکر اسناد آن، یعنی با عباراتی مانند «قال الله تعالى كذا» یا «قال النبي ﷺ كذا»، به صورت نظم و یا نثر در سخن خویش بیاورد (تفتازانی، ۱۴۱۱ق: ۳۰۸). این نوع کاربرد از آیات و یا روایات در کلام بر دو نوع می‌تواند باشد: ۱. اقتباس صریح<sup>۳۸</sup> (راست‌گو، ۱۳۷۶: ۳۰)، ۲. اقتباس اشاری (حلّ و تحلیل)<sup>۳۹</sup> (خیاط، ۸۹)؛<sup>۴۰</sup> برای نمونه در بند ۱۲ از دعای اول صحیفه سجّادیه حضرت در بیان یکی از اوصاف روز قیامت بدون استفاده از لفظی جداکننده میان دو کلام قرآن و معصوم، مثل «قُلْتَ» و عدم تصریح به این که این عبارت از کلام الهی برگرفته شده است، آیه ۴۱ سوره دخان و آیه ۲۲ سوره جاثیه را در ضمن کلام خود آورده‌اند (ابطحی، ۱۴۲۳ق: ۱۸، دعای ۱):

حَمْدًا يَضِيءُ لَنَا بِهٖ ظُلُمَاتِ الْبُرْزَخِ وَيَسْهَلُ عَلَيْنَا بِهٖ سَبِيلَ الْمَبْعَثِ وَيَشْرَفُ بِهٖ مَنَازِلَنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ، ﴿يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾،<sup>۴۱</sup> ﴿يَوْمَ لَا يَغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾.<sup>۴۲</sup>

حضرت در بند ۱۱ از دعای ۲۴ در مورد دوری از حقوق والدین به عنوان یک امر اخلاقی در برخورد با آنان می‌فرماید:

لَا تَجْعَلْنِي فِي أَهْلِ الْعُقُوفِ لِلْإِبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ ﴿يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾.

حضرت در این بند، پس از توسل به پیامبر و خاندان مطهرش، از خداوند می‌خواهد که او را در روز حساب، از عاق شدگان پدر و مادر قرار ندهد و به دنبال آن با اقتباس نمودن از آیات ۱۷ سوره غافر ﴿الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ﴾<sup>۳۳</sup> و ۲۲ سوره جاثیه ﴿وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ لِيُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾<sup>۳۴</sup> و با تصویرگری و تبیین، به توصیف روز قیامت و حسابرسی عادلانه آن روز می‌پردازد (مدنی شیرازی، ۱۴۱۵ق: ۴/ ۸۳).

### ۳-۱-۳. تلمیح یا اشاره

نوع دیگری از اثرپذیری ادعیه از قرآن، شیوه تلمیح و یا اشاره به آیات قرآنی است. تلمیح در اصل ماده به معنای نگاه کردن به شکل پنهانی و سریع و یک چشم بر هم زدن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۲/ لمج؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۳/ لمج)؛ اما منظور از تلمیح یا اشاره در اصطلاح علم بدیع این است که شخص در فحوای کلام به قرآن، روایت، داستان و یا امثال این‌ها اشاره می‌نماید، بدون آن که اصل عبارت را در کلام ذکر کند (تفتازانی، ۱۴۱۱ق: ۳۱۲؛ راست‌گو، ۱۳۷۶: ۵۲؛ بخشی، ۱۳۸۴: ۴۱). در ادعیه صحیفه سجّادیه نیز این نوع اثرپذیری از کلام الهی به فراوانی مشاهده می‌گردد؛ به این شکل که سخنان امام در دعا به آیه‌ای از قرآن اشاره دارد، در حالی که حضرت اصل آیه قرآن را کامل ذکر نموده و تنها با اشاره به الفاظ و مفاهیم آیات به بیان آموزه‌های الهی اهتمام نموده است؛ برای نمونه در بند پنجم از دعای اول، امام علیه السلام در مورد رزاقیت خداوند و حاکمیت آن بر بندگان می‌فرماید:

وَجَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ مِنْهُمْ قُوتاً مَعْلُوماً مَقْسُوماً مِنْ رِزْقِهِ، لَا يَنْقُصُ مَنْ زَادَهُ نَاقِصٌ وَ لَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ؛

و برای هر جاننداری از ایشان، معلوم قسمت شده‌ای از رزقش قرار داد. از کسی که (خدا) به او فراوانی داده، کاهنده‌ای نمی‌کاهد و از کسانی که کاسته افزاینده‌ای نمی‌افزاید ....

که این بند می‌تواند تلمیحی باشد به چند آیه، از قبیل: زخرف: ۳۲ (فیض الاسلام اصفهانی، ۱۳۷۶: ۲۹)، رعد: ۲۶، اسراء: ۳۰، حجر: ۲۱ و... یا در دعای مکارم الأخلاق (دعای ۲۰) در چندین بند، کلام امام علیه السلام را می‌توان تلمیحی به آیاتی از قرآن دانست؛ برای نمونه عبارت موجود در بند ذیل (بند ۱۸) از دعای ۲۰ را می‌توان تلمیحی به آیه ۲۱ سوره نباء<sup>۳۵</sup> و آیه ۱۴ سوره فجر<sup>۳۶</sup> دانست (مدنی شیرازی، ۱۴۱۵ق: ۳ / ۳۹۱):

اَزْزُقْنِي فَوْزَ الْمَعَادِ، وَ سَلَامَةَ الْمَرْصَادِ.

## ۲-۳ تأثیرپذیری پنهان (غیرمستقیم)

نوع دیگر تأثیرپذیری کلام صاعد (ادعیه) از کلام نازل (قرآن)، اثرپذیری پنهان یا غیرمستقیم یا به عبارت دیگر، محتوایی است که این نوع، قسمت عمده تأثیر قرآن بر اندیشه امام را در ادعیه ایشان تشکیل می‌دهد (خیاط، ۱۳۹۲: ۵۴). تأثیرپذیری غیرمستقیم (پنهان) یا محتوایی به این معنا است که قرآن در کلیتش به لحاظ محتوا و شیوه طرح مطالب، خاستگاه پیدایش یک سلسله اندیشه‌ها و باورهایی برای امام شده است که با وجود بستر قرآنی برای آن اندیشه‌ها، استناد صریحی به قرآن صورت نگرفته است (صدر، ۱۳۷۹: ۱۹).<sup>۳۷</sup> به سخن دیگر، ائمه علیهم السلام - که قرآن ناطق و بیش از دیگران به معارف قرآنی آشنا هستند - با توجه به مقتضای جامعه و مخاطب افکار، مضامین و موضوعات را از قرآن گرفته، آن‌ها را پرورانده و در بستر دعا و بدون استناد صریح به قرآن به توضیح و معرفی آموزه‌های الهی و قرآنی پرداخته و به شکل نیایش با حق تعالی به پرورش و تعلیم و تربیت انسان‌ها اهتمام می‌نمودند.

برای نمونه، در معرفی و توضیح یک حقیقت دینی مثل توحید ذاتی - که از مسائل بنیادین در باور اسلامی است اما در جامعه برداشت عموم مردم از آن وحدت عددی است - امام سجاد علیه السلام در بندهای ۱۸ و ۱۹ از دعای ۴۷ صحیفه سجادیه با استفاده از منطق قرآن و مضامین آن، ضمن رد این پندار نادرست به صورت غیرمستقیم و در قالب دعا به معرفی صحیح و توضیح این موضوع بنیادی عقیدتی می‌پردازد و می‌فرماید:

(۱۸) أَنْتَ الَّذِي فَصَّرْتَ الْأَوْهَامَ عَنِ ذَاتِيكَ وَ عَجَزْتَ الْأَفْهَامَ عَنِ كَيْفِيَّتِكَ وَ  
لَمْ تُدْرِكِ الْأَبْصَارُ مَوْضِعَ أَيْنِيَّتِكَ (۱۹) أَنْتَ الَّذِي لَا تُحَدُّ فَتَكُونُ مَحْدُودًا وَ لَمْ  
تُثَمَّلْ فَتَكُونِ مَوْجُودًا وَ لَمْ تَلِدْ فَتَكُونِ مَوْلُودًا؛

(۱۸) تویی آن که اندیشه‌ها از حقیقت ذات تو قاصرند و فهم‌ها از کیفیت تو عاجزند و دیده‌ها جا و مکان تو را درنیافتند. (۱۹) تویی آن که حدی نداری تا محدود باشی و به چیزی مانند نشده‌ای تا آفریده شده باشی و فرزندی نیاورده‌ای تا زائیده شده باشی. این کلام امام می‌تواند از آیات متعددی که به وحدت ذاتی خداوند اشاره دارند، برگرفته شده باشد؛ مانند: نساء: ۱۷۱ (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۵ / ۱۵۰):

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾.<sup>۳۸</sup>

یا حضرت در بند نهم از دعای مکارم الأخلاق (دعای ۲۰) در باره اصل اخلاقی عفو و چشم‌پوشی از خطای دیگران و آمرزش بدی‌های آنان (مغنیه، ۱۴۲۳ق: ۲۶۱) می‌فرماید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ سَدِّدْنِي لِأَنَّ... وَ أَكْفِي مَنْ قَطَعَنِي بِالصَّلَاةِ وَ أُخَالِفَ مِنْ أَعْتَابِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ وَ أَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ وَ أُغْضِي عَنِ السَّيِّئَةِ؛

خداوندا، بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا توفیق ده... تا کسی را که از من جدا شده، به پیوستن مکافات دهم و با آن که از من غیبت نموده، به نیکی یاد کنم و نیکی (دیگران) را سپاس گزارم و از بدی چشم‌پوشی کنم.

امام در این بند، به این اصل اخلاقی با تعبیر «أَغْضِي عَنِ السَّيِّئَةِ» اشاره نموده است. در این عبارت واژه «أَغْضِي» از ماده «غَضَضُ» به «غَضُّ البصر» اشاره داشته و به معنای چشم‌پوشی است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۴ / غض؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: غض) و در مورد شخصی به کار می‌رود که دو پلک چشم خود را به هم نزدیک گرداند که در این بند صحیفه سجّادیه نیز عبارت «أَغْضِي» به همین معنا در برابر بدی‌های دیگران استفاده شده است و امام می‌فرماید:

از بدی‌های دیگران چشم‌پوشی کرده و انتقام از دیگران را به انعام و خوبی مبدل نمایم که این بالاترین و شریف‌ترین مکارم اخلاق است (مدنی شیرازی، ۱۴۱۵ق: ۲ / ۳۳۵).

از آن‌جا که این دیدگاه در مورد عفو دیگران از چیرگی قرآن بر ضمیر امام نشأت گرفته و بر اندیشه و فکر ایشان حاکم بوده و در سخنان ایشان تجلی یافته است، لذا شاید بتوان گفت کلام حضرت در بند فوق نوعی تأثیرپذیری پنهانی و غیرمستقیم از مفهوم آیه ۱۳۴ سوره آل‌عمران<sup>۳۹</sup>

باشد که حضرت مضمون آیه را در اندیشه قرآنی خود پرورانده و با الفاظی دیگر و با توجه به زمانه خود و بر اساس مقتضای جامعه به بیان این امر اخلاقی اهتمام نموده است. در این آیه خداوند به یکی از صفات پرهیزکاران یعنی عفو و گذشت اشاره نموده و می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾<sup>۴۰</sup>

تقوایندگان کسانی‌اند که در آسایش و تنگی از اموال خود در راه خدا انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌خورند و از لغزش مردم درمی‌گذرند. اینان نیکوکارند و خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.

بنا بر این، در این گونه از تجلی قرآن در ادعیه مأثور، امام با استفاده از منطق قرآن و محتوای آن موضوعات و مفاهیمی را که جامعه و مخاطب لازم است به عنوان آموزه و دستور الهی با آن آشنا شوند و در زندگی انسان پیاده گردد، در بستر دعا و به صورت غیرمستقیم و غیر آشکار به توضیح، تبیین، توصیف و اثبات آن موضوعات قرآنی و دینی پرداخته و بدین شکل سخن امام به‌طور پنهانی از کلام و حیانی قرآن اثر پذیرفته است.

در پایان، این نکته حایز اهمیت است که با بررسی‌های صورت گرفته در مورد نحوه تأثیرپذیری ادعیه صحیفه سجّادیه از قرآن در موضوع اصول اخلاق اجتماعی و فضایل اخلاقی موجود در ادعیه حضرت، به دست می‌آید که در بحث فضایل اخلاق اجتماعی اشارات قرآنی صحیفه سجّادیه، چه به صورت آشکار از نوع تلمیح به آیه قرآن، چه به صورت پنهانی و غیرمستقیم از نوع اشاره به محتوای آیه بدون ذکر لفظی از آیه، بسا بیشتر از تصریح و ذکر آیه کامل در دعا همراه با ذکر الفاظی مانند «قَلَّتْ» و یا اقتباس از آیه و ذکر بخشی مشخص از یک آیه است؛ به نحوی که اگر چه حجم اقتباس از حجم تصریحات، یعنی وجود صریح آیات قرآن در ادعیه مأثور به صورت کلی بیشتر است (خیاط، ۱۳۹۲: ۸۹)، اما در پژوهش صورت گرفته در حوزه بایسته‌های اخلاق اجتماعی در ادعیه صحیفه سجّادیه، این امر به دست آمد که تعداد اثرپذیری‌های پنهان و غیرمستقیم کلام امام از قرآن بیشتر از سایر اثرپذیری‌های آشکار بوده و در دسته اثرپذیری‌های آشکار نیز ابتدا تلمیح (اشاره) به آیات قرآن و سپس تصریح به آیات و در آخر، اقتباس از آیات از حجم بالاتری برخوردار بوده است.<sup>۴۱</sup>

با هدف تجميع مطالب پيش گفته و سهولت دست يابى به ادعيه و آيات نظير آن ها و روشن شدن بيشتر مطلب برآى خواننده، در جدول ذيل برآى تعدادى از بايسته هاى اخلاق اجتماعى موجود در صحيفه سجّاديه، بندها و سپس آياتى كه كلام حضرت از آن ها اثر پذيرفته، به همراه نوع تاثير پذيرى آن، به عنوان شاهد مثال مطرح مى گردد.<sup>۴۲</sup>

#### ۴. جدول ادعيه و آيات و نوع اثر پذيرى ميان آن ها

ردیف	اخلاق اجتماعى	متن دعا	دعا / بند	آيه قرآن	سوره / آيه	نوع تاثير پذيرى دعا از قرآن
۱	عدل و انصاف	... وَ حَلَّيْ بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ وَ أَلْسِنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ فِي بَسْطِ الْعَدْلِ	۲۰ / ۱۰	لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيُقْضَىٰ لِلنَّاسِ بِالْقِسْطِ	حديد: ۲۵	اثر پذيرى پنهان (محتوايى)
۲	احسان و بخشش	... وَ أَجْرٍ لِلنَّاسِ عَلَىٰ يَدِي الْخَيْرِ وَ لَا تَمَحَّهْ بِالْمَنِّ	۲۰ / ۳	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْأَذَىٰ	بقره: ۲۶۴	تلميح (اشاره)
۳	انفاق	وَ قُلْتَ مَثَلُ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَ اللَّهُ يَضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ... مَثَلُ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَ اللَّهُ يَضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ... يَسَاءُ...	۴۵ / ۱۳	مَثَلُ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَ اللَّهُ يَضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ	بقره: ۲۶۱	تصريح
۴	زكات	وَ وَقَفْنَا فِيهِ لِأَنَّ... نَطَهَّرَهَا بِإِخْرَاجِ الرِّكَوَاتِ	۴۴ / ۱۰	خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا... وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ	توبه: ۱۰۳	تلميح (اشاره)

نوع تأثیر پذیری دعا از قرآن	سوره / آیه	آیه قرآن	دعا / بند	متن دعا	اخلاق اجتماعی	ردیف
اثر پذیری پنهان (محتوایی)	نساء: ۱۴۸	لَا يَحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا	۲۰ / ۱۳	اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ ... أَوْ اغْتِيَابِ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ ... نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ	حفظ آبرو و صیانت از شخصیت	۵
اثر پذیری پنهان (محتوایی)	حجرات: ۱۲	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَابَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا ... اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ	۲۰ / ۱۳	اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنِّيِّ وَ التَّظَنِّيِّ وَ ... ذِكْرًا لِعِظَمَتِكَ وَ تَفَكْرًا فِي قُدْرَتِكَ ...	حسن ظن	۶
تلمیح (اشاره)	انفال: ۱	... فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ	۲۰ / ۱۰	أَلَيْسَنِي زِينَةً الْمُتَّقِينَ فِي ... صَمِّ أَهْلِ الْفُرْقَةِ وَ إِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ ... وَ أَكْمِلْ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ ...	اصلاح ذات بین	۷
تلمیح (اشاره)	شعراء: ۲۱۵	وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ	۲۰ / ۱۰	وَ حَلَّنِي بِحَلِيَّةِ الصَّالِحِينَ ... فِي ... خَفِضِ الْجَنَاحِ ...	تواضع و فروتنی	۸

نوع تأثیر پذیری دعا از قرآن	سوره/ آیه	آیه قرآن	دعا/ بند	متن دعا	اخلاق اجتماعی	شماره
تلمیح (اشاره)	آل عمران: ۱۳۴	الَّذِينَ يَنْفُقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَ اللّٰهُ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ	۲۰/ ۱۰	... وَ الْبَيْتِ زِينَةَ الْمُتَّقِينَ فِي... كَظْمِ الْغَيْظِ وَ إِطْفَاءِ النَّارِ... وَ أَكْمَلُ ذَلِكَ لِي بَدْوَامِ الطَّاعَةِ...	حلم و كظم غيظ	۹
اثر پذیری پنهان (محتوایی)	فرقان: ۶۳	وَ عِبَادِ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْسُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا	۲۰/ ۱۰	وَ حَلَنِي بِحَلِيَّةٍ الصَّالِحِينَ فِي... لِينِ الْعَرِيكَةِ... وَ حُسْنِ السَّيْرِ وَ سُكُونِ الرِّيحِ وَ طِيبِ الْمَخَالَفَةِ...	حسن خلق و نرم خوی	۱۰
اثر پذیری پنهان (محتوایی)	آل عمران: ۱۳۴	... وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَ اللّٰهُ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ	۲۰/ ۹	وَ سَدَّدْنِي لِأَنَّ... أُخَالَفَ مِنْ أَعْتَابِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ وَ أَنْ أَشْكَرَ الْحَسَنَةَ وَ أُغْضِي عَنِ السَّيِّئَةِ	عفو و صفح	۱۱
اثر پذیری پنهان (محتوایی)	اعراف: ۶۸	أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَ أَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ	۲۰/ ۹	... وَ سَدَّدْنِي لِأَنَّ أُعَارِضَ مَنْ عَشَّنِي بِالنُّصْحِ	نصح و خیر خواهی	۱۲
تلمیح (اشاره)	آل عمران: ۱۰۴	وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ... يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ	۱۶/ ۱۸	وَ وَقَفْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا... لِلْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ... وَ إِزْشَادِ الصَّلَاةِ	امر به معروف و نهی از منکر	۱۳



نوع تأثیر پذیری دعا از قرآن	سوره/ آیه	آیه قرآن	دعا/ بند	متن دعا	اخلاق اجتماعی	ردیف
اثر پذیری پنهان (محتوایی)	بقره: ۸۳	وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ ...	۴۴/ ۱۰	وَقَقْنَا فِيهِ لِأَنَّ نَصِيلَ أَرْحَامِنَا بِالْبِرِّ وَ الصَّلَاةِ	صله رحم	۱۴
اثر پذیری پنهان (محتوایی)	نساء: ۳۶	وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ وَ ... إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فَخُورًا	۲۴/ ۵	اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي ... أَبْرَهُمَا بِرَّ الْأُمَّ الرَّؤُوفِ ... وَ أَسْتَكْتَبِرَ بِرَّهُمَا بِي وَ إِنْ قَلَّ وَ أَسْتَقْبَلَ بَرِي بِهِمَا وَإِنْ كَثُرَ	نیکی به پدر و مادر	۱۵
اثر پذیری پنهان (محتوایی)	اسراء: ۲۴ و ۲۳	... فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفَّ وَ لَا تَنْهَرْهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (۲۳) وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنْ الرَّحْمَةِ ... (۲۴)	۲۴/ ۶	اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِي وَ أَطْبِبْ لَهُمَا كَلَامِي وَ أَلِنْ لَهُمَا عَرِيكَتِي	نرم خوی و نیکو سخن گفتن با پدر و مادر	۱۶
اثر پذیری پنهان (محتوایی)	ابراهیم: ۳۷	رَبَّنَا ... فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوَىٰ إِلَيْهِمْ وَ ارزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ (۳۷)	۲۵/ ۵	... وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ مَعَهُمْ أَوْلَادًا ذُكُورًا وَ اجْعَلْ ذَلِكَ خَيْرًا لِي وَ اجْعَلْهُمْ لِي عَوْنًا عَلَيَّ مَا سَأَلْتُكَ	بایسته‌های اخلاقی والدین با فرزندان	۱۷

نوع تأثیر پذیری دعا از قرآن	سوره / آیه	آیه قرآن	دعا / بند	متن دعا	اخلاق اجتماعی	شماره
اثر پذیری پنهان (محتوایی)	نساء: ۳۶	وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَالْبِالِدِينَ إِحْسَانًا وَبِ... الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنبِ ...	۴۴ / ۱۰	وَفَقَّأ فِيهِ لِأَنَّ ... تَتَعَاهَدَ جِيرَانَنَا بِالْإِفْضَالِ وَالْعَطِيَّةِ	بایسته‌های اخلاقی در قبال همسایه	۱۸

## ۵. نتیجه گیری

اصلی‌ترین خاستگاه صحیفه سجادیه، همچون دیگر ادعیه مأثور، قرآن است که بیشترین تأثیر را بر فکر و روح معصومان عليهم السلام گذاشته و در بیان آموزه‌های الهی بیش از هر چیز از آن بهره برده‌اند؛ چرا که میان قرآن و عترت پیامبر صلی الله علیه و آله پیوندی ناگسستنی وجود دارد و این پیوند همیشگی و استوار بوده و هیچ گونه تناقض با یکدیگر نداشته، بلکه مبین و مفسر هم هستند. از این رو، معارف و تعالیم موجود در نیایش‌های صحیفه سجادیه در حوزه بایدهای اخلاق اجتماعی آن چنان با معارف قرآنی مربوط، به هم تنیده هستند که می‌توان آن‌ها را الهام و برگرفته از تعالیم کلام و حیانی (ثقل اکبر) دانست؛ به گونه‌ای که برخی از معارف قرآنی در زمینه بایسته‌های اخلاق اجتماعی در تک تک واژه‌های این کلام صاعد به شکل‌های مختلف تجلی یافته است. در پژوهش حاضر با بررسی‌های صورت گرفته، حاصل گردید که این تأثیر پذیری و بهره‌گیری امام از قرآن در بیان این معارف قرآنی به صورت دعا به شکل‌های مختلف مستقیم (تصریح، اقتباس و تلمیح) و غیرمستقیم در اثنای کلام حضرت تجلی یافته است؛ و از میان انواع تأثیر پذیری کلام امام از قرآن در صحیفه سجادیه در بیان بایسته‌های اخلاق اجتماعی، حجم اثر پذیری‌های پنهان و غیرمستقیم کلام امام از قرآن بیشتر از اثر پذیری‌های آشکار بوده و در دسته اثر پذیری‌های آشکار نیز ابتدا تلمیح (اشاره) به آیات قرآن و سپس تصریح به آیات و در نهایت، اقتباس از آیات از حجم بالاتری برخوردار بوده‌اند. از این رو، می‌توان گفت بیشترین انعکاس قرآن در ادعیه صحیفه سجادیه به صورت محتوایی (اثر پذیری پنهان) و سپس تلمیح (اثر پذیری آشکار) است.

## پی‌نوشت‌ها:

۱. زمر: ۸ (وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ)؛ و هنگامی که به انسان گزند برسد، به سوی خدا بازمی‌گردد و به ربوبیت او اعتراف می‌کند و برای برطرف شدن آن گزند پروردگار خود را می‌خواند.
۲. آموزه‌هایی در رابطه با چگونگی ارتباط انسان با خدا؛ مانند دعای ۱۶، بند ۳۰.
۳. آموزه‌هایی در رابطه با چگونگی ارتباط انسان با خود؛ مانند دعای ۲۳، بند ۳.
۴. آل عمران: ۹۷.
۵. جمعه: ۱.
۶. برای نمونه: آل عمران: ۱۰۳.
۷. برای نمونه: انفال: ۴۶.
۸. پیامبر (ص) در این زمینه می‌فرماید: «أَسْعَدُ النَّاسِ مَنْ خَالَطَ كِرَامَ النَّاسِ؛ خوشبخت‌ترین مردم کسی است که با گرامی‌ترین مردم معاشرت نماید» (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۶: ۲۱، ح ۴).
۹. برای نمونه: «أَمَرَنِي جَبْرَائِيلُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنَّهُ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ أَنْ أُعَلِّمَكُمُ أَنَّ الْقُرْآنَ هُوَ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ وَ أَنَّ وَصِييَ هَذَا وَ ابْنَائِي وَ مَنْ خَلَفَهُمْ مِنْ أَصْلَابِهِمْ حَامِلًا وَ صَائِيَايَ هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ يَشْهَدُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ لِلثَّقَلِ الْأَصْغَرِ وَ يَشْهَدُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ لِلثَّقَلِ الْأَكْبَرِ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مُلَازِمٌ لِصَاحِبِهِ غَيْرُ مُفَارِقٍ لَهُ» (مجلسی، ق ۱۴۰۳: ۷۴ / ۲۷۵).
۱۰. در این پژوهش برای دستیابی جامع و کامل به موضوعات مطرح در ادعیه صحیفه از فرهنگ‌نامه موضوعی صحیفه سجادیه تألیف سید احمد سجادی استفاده شده است. البته در این زمینه منبعی دیگر با عنوان نمایه‌نامه موضوعی صحیفه سجادیه، مصطفی درایتی نیز وجود دارد، اما از آن‌جا که تمرکز پژوهش حاضر بر ۵۴ دعای صحیفه سجادیه بوده و کتاب فرهنگ‌نامه احمد سجادی نیز فقط به این ۵۴ دعا پرداخته، از این جهت این مدرک در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است.
۱۱. «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ق ۲ / ۱۰۰، ح ۵۹).

۱۲. «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ عَلَى مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ مَعَهُ لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۶۰، ح ۱۰۲۸).

۱۳. «قرآن با من است، از آن هنگام که یار آن گشتم، از آن جدا نبودم» (شهیدی، ۱۳۷۸: ۱۲۱).

۱۴. «امام از ما خانواده باید معصوم باشد ... عرض شد آقا معنای معصوم چیست؟ فرمود: او چنگ زده به ریسمان خدا و آن قرآن است که از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا قیامت امام راهنما به سوی قرآن و قرآن راهنما به سوی امام است. این است معنای این آیه: (إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ)» (خسروی، ۱۳۶۳: ۱۳۵/۳).

۱۵. «اگر همه موجودات از مشرق تا مغرب بمیرد، تا زمانی که قرآن با من باشد هیچ گونه وحشتی نخواهم داشت.»

۱۶. ابن شهر آشوب در معالم العلماء، صحیفه سجّادیه را به این القاب خوانده است.

۱۷. این امر در کتاب بحار الانوار چنین بیان شده است: «الصحيفة السجّادية هي زبور آل محمد (ع) (ع) بمنزلة زبور داود (ع) يعبر عنها باخت القرآن في فصاحتها و بلاغتها و كفي في شأنها انها اشتملت على المعارف الإلهية و احياء الموتى النفوس ... و قد قال في حقها المخالفون انها فوق كلام المخلوق و دون كلام الخالق صلوات الله عليه...».

۱۸. به دلیل نبود مجال بیشتر، جهت تبیین امر برای هر یک از این اثرپذیری‌ها نمونه‌ای ذکر شده و در پایان در جدولی برای هر یک از بایسته‌های اخلاقی موجود در صحیفه سجّادیه، نوع بهره‌گیری امام از قرآن همراه با دعا و آیه مربوط ذکر خواهد شد (ر.ک: بصام، ۱۳۹۴).

۱۹. گزاره در این جا به معنای عبارت و جمله قرآنی (خواه جمله ناقص یا جمله کامل) است.

۲۰. برای نمونه: علی بن الحسین (ع)، ۱۳۷۶: دعای ۲۹، بند ۵.

۲۱. برای نمونه: ابطحی، ۱۴۲۳ق: ۳۳، دعای ۱۰.

۲۲. برای نمونه: علی بن الحسین (ع)، ۱۳۷۶: دعای ۳۱، بند ۱۱.

۲۳. برای آگاهی بیشتر از انواع تصریحات قرآنی در ادعیه و نمونه‌های بیشتر (ر.ک: خیاط، ۱۳۹۲: ۸۷-۱۶۶).

۲۴. غافر: ۶۰ قَالَ رَبُّكُمْ اذْعُونِي اُسْتَجِبْ لَكُمْ اِنَّ الَّذِيْنَ يَسْتَكْبِرُوْنَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُوْنَ جَهَنَّمَ دَاخِرِيْنَ).

۲۵. در پژوهش برای ترجمه آیات قرآن از ترجمه سید محمد رضا صفوی با عنوان ترجمه قرآن بر اساس المیزان استفاده شده است.
۲۶. برای ترجمه ادعیه صحیفه سجّادیه از ترجمه سید احمد سجادی با عنوان فرهنگ‌نامه موضوعی صحیفه سجّادیه (۳/ ۱۲۸۰ - ۱۵۶۳) استفاده شده است. البته در چند جا از ترجمه و شرح علی نقی فیض الاسلام اصفهانی بهره برده شده که در متن مشخص بوده و نشانی مربوط ارجاع داده شده است.
۲۷. (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ).
۲۸. اقتباس صریح به این معنا است که گوینده سخن، عبارتی قرآنی یا روایی را با همان ساختار لفظی و بدون هیچ گونه تغییر و دگرگونی و یا با اندک تغییری در سخن خود جای می‌دهد.
۲۹. اقتباس اشاری به این معنا است که گزاره‌ای قرآنی یا روایی با تغییراتی لفظی و یا ترکیبی، در سخن مورد استفاده قرار گیرد.
۳۰. برای آگاهی بیشتر از انواع اقتباس از آیات قرآن در ادعیه معصومین (ع) و مشاهده نمونه‌های بیشتر در این زمینه (ر.ک: خیاط، ۱۳۹۲: ۱۶۹ - ۳۲۲).
۳۱. جاثیه: ۲۲ (و خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ لِيُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ).
۳۲. دخان: ۴۱ (يَوْمَ لَا يَغْنَى مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئاً وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ).
۳۳. «امروز هرکسی بدان چه کرده است سزا داده می‌شود».
۳۴. «و خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق (نه بیهوده و بی‌هدف) آفریده، و آنها را بر اساس عدالت استوار ساخته است تا هر کسی در برابر آنچه به دست آورده است سزا داده شود، و بر آنان ستم نمی‌رود».
۳۵. (إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا).
۳۶. (إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ).
۳۷. برای آشنایی بیشتر با این نوع اثرپذیری و مشاهده نمونه‌های بیشتری در این زمینه (ر.ک: خیاط، ۱۳۹۲: ۵۴ - ۸۶؛ صدر، ۱۳۷۹: ۱۹ - ۳۹).

۳۸. یا مائده: ۷۳ (لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثَةٌ تَلَاثَةً وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۶ / ۷۰).

۳۹. و دیگر آیات مربوط در این زمینه: بقره: ۲۳۷؛ اعراف: ۱۹۹؛ شوری: ۴۰؛ نور: ۲۲ و ...

۴۰. بر اساس این آیه فرو بردن خشم (کظم غیظ) اگر چه امری لازم است، اما به تنهایی کافی نیست؛ چرا که امکان دارد کینه و دشمنی از قلب انسان ریشه کن نگردد. به همین دلیل، قرآن در کنار آن به خصلت عفو، توأمان اشاره نموده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳/۹۷).

۴۱. (ر.ک: بصام، ۱۳۹۴).

۴۲. برای مشاهده نمونه‌های بیشتر (ر.ک: بصام، ۱۳۹۴: ۲۳۵ - ۲۴۳).



## کتاب نامه

۱. قرآن کریم؛
۲. ابطحی، سید محمد باقر. (۱۴۲۳ق). الصحيفة السجّادیة الجامعة، قم: مؤسسه امام مهدی (عج)، چاپ پنجم؛
۳. ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۰۹ق). فتح الأبواب بین ذوی الألباب و بین ربّ الأرباب، تحقیق: حامد خفاف، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام؛
۴. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی؛
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم؛
۶. ابن بابویه قمی، محمد بن علی. (۱۳۷۶ش). الأمالی، تهران: کتابچی، چاپ ششم؛
۷. بخشی، منصوره. (۱۳۸۴ش). «اثرپذیری نهج البلاغه از قرآن کریم»، پژوهش های نهج البلاغه، ش ۱۳ و ۱۴، صص ۳۶-۵۳؛
۸. بصام، کوثر. (۱۳۹۴ش). اصول قرآنی اخلاق اجتماعی در صحیفة سجّادیة، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قرآن و حدیث، پردیس تهران؛
۹. پیشوایی، مهدی. (۱۳۷۲ش). سیره پیشوایان (نگرشی بر زندگانی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امامان)، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام؛
۱۰. تفتازانی، اسعد الدین. (۱۴۱۱ق). مختصر المعانی، قم: انتشارات دار الفکر؛
۱۱. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۹ش). تفسیر موضوعی قرآن کریم (مبادی اخلاق در قرآن، ج ۱۰)، تنظیم و ویرایش: حسین شفیعی، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ سوم؛
۱۲. ———. (۱۳۸۴ش). «قرآن در نهج البلاغه»، پژوهش های فقهی، ش ۲، صص ۵-۲۸؛
۱۳. ———. (۱۳۸۸ش). تفسیر موضوعی قرآن کریم (جامعه در قرآن، ج ۱۷)، تحقیق: مصطفی خلیلی، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ دوم؛
۱۴. ———. (۱۳۹۴ش). مفاتیح الحیة، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ دوم؛
۱۵. حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۷۱ش). رساله نور علی نور فی ذکر و ذاکر و مذکور، قم: انتشارات تشیع، چاپ دوم؛

۱۶. حسینی جلالی، سید محمد رضا. (۱۴۱۸ق). جهاد الإمام السجاد علیه السلام، بیروت: دارالحدیث الثقافیه؛
۱۷. حق‌شناس، حمید رضا. (۱۳۸۸ش). اخلاق اجتماعی در صحیفه سجّادیه، قم: دفتر عقل؛
۱۸. حکیمی، محمد رضا. (۱۳۶۶ش). حماسه غدیر، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛
۱۹. خسروی، موسی. (۱۳۶۳ش). ترجمه جلد ۲۳-۲۷ بحار الأنوار، تهران: کتاب‌فروشی اسلامی، چاپ دوم؛
۲۰. خمینی، روح‌الله. (۱۳۶۸ش). آخرین پیام (وصیت‌نامه سیاسی الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران)، تهران: سازمان حج و اوقاف و امور خیریه؛
۲۱. \_\_\_\_\_. (۱۳۷۶ش). تفسیر سوره حمد، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم؛
۲۲. خیاط، علی و دیگران. (۱۳۹۱ش). «اقتباس؛ گونه‌ای از تجلی قرآن در نیایش معصومان:»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم حدیث، ش ۶۴، صص ۹۰-۱۱۰؛
۲۳. \_\_\_\_\_. (۱۳۹۲ش). تجلی قرآن در نیایش معصومان، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی؛
۲۴. راست‌گو، سید محمد. (۱۳۷۶ش). تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)؛
۲۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار القلم؛
۲۶. سجّادی، احمد. (۱۳۸۵ش). فرهنگ‌نامه موضوعی صحیفه سجّادیه، قم: مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهرا (پژوهش مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان)؛
۲۷. شریف رضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، قم: هجرت؛
۲۸. شهیدی، سید جعفر. (۱۳۷۸ش). ترجمه نهج البلاغه، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهاردهم؛
۲۹. صدر، سید موسی. (۱۳۷۹ش). «تأثیر قرآن در اندیشه امام علی علیه السلام»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ش ۲۳ و ۲۴، صص ۱۴-۳۹؛



۳۰. صفوی، سید محمد رضا. (۱۳۸۵ش). ترجمه قرآن بر اساس المیزان، قم: مؤسسه بوستان کتاب؛
۳۱. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: چاپ پنجم؛
۳۲. طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۷۰ش). مکارم الأخلاق، قم: الشریف الرضی، چاپ چهارم؛
۳۳. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). الأملی، تصحیح: مؤسسة البعثة، قم: دار الثقافة؛
۳۴. علی بن الحسین علیه السلام. (۱۳۷۶ش). الصحيفة السجّادیة، قم: دفتر نشر الهمادی؛
۳۵. غلامعلی، احمد. (۱۳۸۹ش). «قرآن و صحیفه سجّادیة: درون مایه های مشترک»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم حدیث، ش ۵۷، صص ۱۱۹ - ۱۴۸؛
۳۶. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم؛
۳۷. فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی. (۱۳۷۶ش). ترجمه و شرح الصحيفة السجّادیة، تحقیق: عبد الرحیم افشاری زنجانی، تهران: فقیه، چاپ دوم؛
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). الکافی، قم: دارالحدیث؛
۳۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعه لدرر الأخبار الأئمة الاطهار، تحقیق: سید ابراهیم میانجی و دیگران، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ سوم؛
۴۰. مدنی شیرازی، سید علی خان. (۱۴۱۵ق). ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین علیه السلام، تحقیق: سید محسن حسینی امینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: چاپ چهارم؛
۴۱. مسعودی، عبد الهادی. (۱۳۹۳ش). روابط اجتماعی از نگاه قرآن، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث (سازمان چاپ و نشر دارالحدیث)؛
۴۲. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۹ش). فلسفه اخلاق، تحقیق: احمد حسین شریفی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛
۴۳. \_\_\_\_\_ . (۱۳۹۴ش). اخلاق در قرآن (ج ۱)، تحقیق: محمد حسین اسکندری، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ هشتم؛